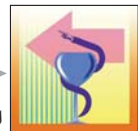




پیشرو



احسان بیکایی

آیزاک آسیموف



یک دانشمند بسیار مهم با اسکورت نیروهای ویژه در حال حرکت به سمت سالن سخنرانی است که هدف یک حمله تروریستی قرار می‌گیرد. دانشمندی نمی‌میرد اما لخته‌ای که در یکی از مویزهای مغزش به وجود می‌آید، او را به حال کما فرو می‌برد. پزشکان احتمال می‌دهند که ممکن است هر لحظه این لخته منجر به مرگ دانشمند شود اما کاری از دست آنها برنمی‌آید. ریسک عمل جراحی بسیار بالاست و دولت به شدت نگران تبعات سیاسی و نظامی این اتفاق است. ناگهان یک دانشمند دیگر با ایده‌ای تکان‌دهنده وارد می‌شود؛ فرستادن یک زیردریایی با چندین سرنشین به داخل رگ بیمار و سوزاندن لخته به وسیله لیزر. البته زیردریایی‌ای که به وسیله یک روش فوق سری نظامی در حد چند میکرون کوچک خواهد شد.

این ایده عجیب در سال‌های ۱۹۶۰ سوزوئه کتاب سفر شگفت‌انگیز «آیزاک آسیموف» بود. نویسنده‌ای که نامش بی‌اختیار هر کسی را به یاد داستان‌های علمی-تخیلی می‌اندازد. البته این مسئله طبیعی است، آیزاک آسیموف بیش از ۳۴۹ کتاب و داستان نوشته است که بیشتر آنها داستان‌های علمی-تخیلی هستند.

آیزاک آسیموف، بین اکتبر ۱۹۱۹ و ژانویه ۱۹۲۰، در یکی از شهرهای شوروی سابق (جایی حوالی بلازوس فعلی) و در یک خانواده یهودی به دنیا آمد. سه ساله بود که به همراه خانواده‌اش به آمریکا مهاجرت کرد و از آن زمان به بعد در نیویورک ماند. علاقه‌اش به داستان‌های تخیلی از پنج سالگی که خواندن را یاد گرفت، شروع شد. نه ساله بود که اولین داستانش را نوشت و در ۱۸ سالگی توانست اولین داستانش را بفروشد. او بعد از اتمام دوره دبیرستان به کالج و بعد دانشگاه کلمبیا رفت تا بیوشیمی بخواند و مدتی بعد PhD بیوشیمی‌اش را هم از این دانشگاه گرفت. زندگی و تحصیل در یک محیط علمی مسیر زندگی او را عوض نکرد و او باز هم به سراغ نویسنده‌گری رفت، اما این بار علم هم وارد داستان‌های او شده بود. علاقه‌اش به علوم مختلف از زمین‌شناسی و نجوم گرفته تا ژنتیک و پزشکی و بیوشیمی، باعث شد تا تقریباً در تمام این رشته‌ها کتاب‌های علمی بنویسد و از این علوم در پیشبرد داستان‌های علمی تخیلی‌اش هم استفاده کند. به طور مثال محور اصلی کتاب «جنایت در آزمایشگاه» که مسئله شیمی و کار آزمایشگاهی است که سابقه کار او در آزمایشگاه این تجربه را برایش فراهم کرده بود.

اما او به همین حد بسنده نمی‌کرد و در داستان‌هایش واژه‌های علمی جدید و ابتکارات و اختراع‌های جدید را نیز وارد می‌کرد. او حتی واژه‌های علمی را با تلفظ دقیق و ریشه واژه توضیح می‌داد و دانشمندان داستان‌هایش درست مانند شخصیت‌های حقیقی اسم و اطلاعات شناسنامه‌ای کامل داشتند.

او اخلاق‌های خاصی هم داشت، اخلاق‌هایی مثل عدم علاقه‌اش به رانندگی که باعث شده بود در هیچ کدام از این همه داستانش مدل و نوع ماشین‌ها را بیان نکند و ماشین را فقط به عنوان یک وسیله نقلیه مطرح کند. آسیموف کلاستروفیل بود (علاقه‌مند به محیط بسته) و این مسئله در نوشته‌هایش هم دیده می‌شد. از هوایما می‌ترسید و فقط دو بار پرواز کرد اما سری کتاب‌های امپراتوری کهکشانی را نوشت. استاد بیوشیمی دانشگاه کلمبیا و نویسنده و ویرایشگر بیش از ۵۰۰ کتاب علمی و علمی-تخیلی. در آوریل سال ۱۹۹۴ از دنیا رفت. ده سال بعد از مرگ آسیموف، در زندگیاگاه‌اش به نام «زندگی خوبی بود» که همسرش آن را منتشر کرد، اعلام شد که آسیموف، به علت ابتلا به بیماری ایبز درگذشته است. گویا آیزاک آسیموف در سال ۱۹۸۳ و از راه انتقال خون در جریان یک جراحی بای‌پس قلب دچار بیماری ایبز شده بود و مدتی بعد به همین دلیل از دنیا رفت. همسر او ده سال صبر کرد تا این خبر را وقتی عنوان کند که وجهه آسیموف لطمه‌ای نبیند.

اختصاصی طبیب

هیچ وقت از خودکشی حرف نمی‌زد. هیچ ناراحتی روحی هم نداشت. فرد مؤمنی بود. همیشه با ظاهر موجهی در جامعه ظاهر می‌شد. بعد از اینکه درش تمام شد، خودش به صورت داوطلبانه برای خدمت به یکی از روستاهای همدان رفت و...

در همدان با حمید آشنا شده بود. قرار بود با هم ازدواج کنند. حمید کارمند صدا و سیما و نامزد زهرا بود. آخرین روز ماه مبارک رمضان آنها در پارک بوعلی همدان با هم قرار داشتند. حمید یک چادر مسافرتی به پا کرده بود. درست همان زمان بود که مأمورین امر به معروف آنها را دستگیر کردند. شاید اگر این چادر بنا نمی‌شد...

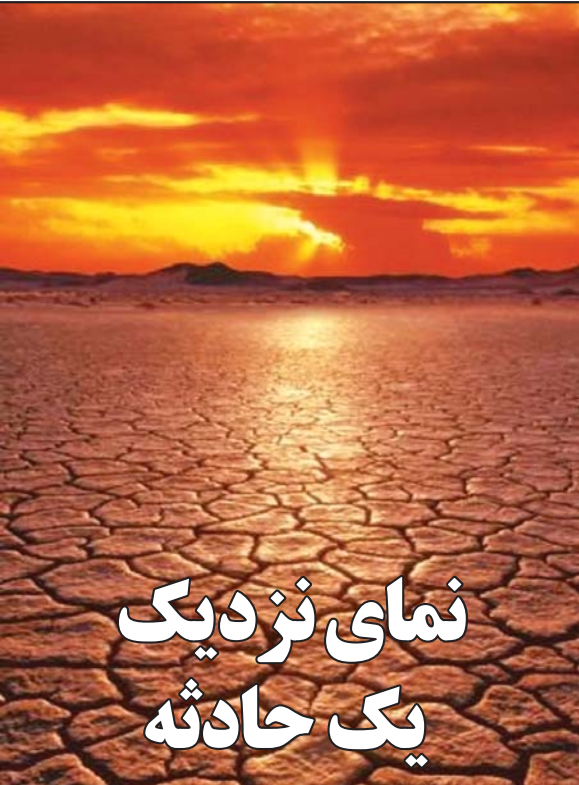
ابهامات بی‌پاسخ

تقریباً دو ماه پیش بود که با درج خبر خودکشی «دکتر زهرا بنی‌یعقوب» در طبیب، پیگیری‌مان را از نهادهای مختلف شروع کردیم. و هنوز هم قضیه را پیگیری می‌کنیم. سازمان پزشکی قانونی اولین جایی بود که سرزدیم. سؤال‌هایمان را به همراه معرفی‌نامه ارائه کردیم، اما تا لحظه تنظیم این گزارش پاسخی از طرف سازمان پزشکی قانونی دریافت نکرده‌ایم. سازمان نظام پزشکی مصراانه پیگیر پرونده دکتر زهراست. دو ماه پیش وقتی با مدیر روابط عمومی سازمان تماس گرفتیم برآیمان از نامه‌ای گفت که در مورد این پرونده به استناداری همدان و سازمان پزشکی قانونی ارسال شده و تا آن زمان هنوز پاسخی دریافت نکرده بودند. دکتر سجادی، مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان نظام پزشکی، می‌گوید: «استناداری همدان جواب نامه ما را همراه با گزارش پزشکی قانونی برآیمان ارسال کردند و تحقیقات هنوز هم ادامه دارد». می‌پرسم گزارش پزشکی قانونی چه بود؟ دکتر سجادی می‌گوید: «فشار جسم رشته مانند مثل پارچه بر عناصر حیاتی گردن!» گزارش‌هایی که بارها شنیده‌اید. آیا آثار ضرب و شتم در گزارش پزشکی قانونی

بیان شده یا نه؟ «در گزارش‌هایی که به دست ما رسیده، آثار زد و خورد و ضرب و شتم ذکر نشده است ولی حدس و گمان و حرف‌های زیادی شنیده می‌شود که مستند نیست. سازمان نظام پزشکی تا روشن شدن کامل تحقیقات در این مورد، اظهار نظر رسمی نمی‌کند». دکتر سجادی تأکید کرد: «چون دکتر بنی‌یعقوب یکی از اعضای سازمان ما بوده است، موظف به حمایت و پیگیری پرونده ایشان هستیم».

تأیید نمی‌کنیم

اولین وکیل پرونده «مهرنوش نجفی» تعیین شد، آقای بنی‌یعقوب می‌گوید: «خانم نجفی در کانون حقوق بشر کار می‌کرد و گفت هزینه‌های ما در دریافت نمی‌کند. او تحقیقاتش را شروع کرد و باید بگویم همکاری خوبی با او انجام



نمای نزدیک یک حادثه

نمی‌گرفت. بعد از مدتی خانم نجفی نظارش تغییر کرد و به ما گفت به اعتقاد من دادگستری با شما همکاری خوبی داشته است و من دیگر حاضر نیستم وکالت پرونده شما را بر عهده بگیرم. بعد شیرین عبادی وکالت پرونده را به ما پیشنهاد داد و ما هم قبول کردیم. اولش قرار بود خانم نجفی هم با شیرین عبادی همکاری کند که متأسفانه کنار کشید».

ما با شیرین عبادی تماس گرفتیم. خانم عبادی تازه از سفر بازگشته بود و به دلیل مشغله کاری پاسخگویی را به وکیل دیگر پرونده خانم لیلایعلی کرمی سپرد.

«ما به هیچ وجه خودکشی را تأیید نمی‌کنیم». ایسن را لیلایعلی کرمی می‌گوید. یکی از موارد اعتراض ما این است که چرا جواب پزشک قانونی

در مورد این پرونده مختصر و ناقص است. از نظر ما این پرونده به تحقیقات گسترده‌تری نیاز دارد. وی می‌گوید: «پرونده مطالعه شده نکات مبهم زیادی دارد و برخی اقدام‌هایی که انجام شده خلاف قانون است. مواردی مثل مدت نگهداری دکتر بنی‌یعقوب در بازداشتگاه و اینکه به اعتقاد ما جرم مشهودی صورت نگرفته و حتی نحوه برخورد با او هم خلاف قانون بوده است. ما اکنون در مرحله تحقیقات هستیم و تا پایان آن نمی‌توانیم اظهار نظر قطعی کنیم».

پدر زهرا مهم‌ترین مدرکی که می‌تواند در روند این پرونده خیلی کمک‌کننده باشد، پرنیت تلفنی مکالمه زهرا با برادرش قبل از مرگ می‌داند و می‌گوید: «حدود دوماه است که در این باره پیگیری می‌کنم ولی تاکنون موفق نشده‌ام پرنیت را بگیرم. به من می‌گویند این پرنیت حذف شده که اصلاً برای من قابل قبول نیست. با این پرنیت معلوم می‌شود که زهرا ساعت ۲۱ با برادرش تلفنی صحبت کرده در صورتی که به ما می‌گویند تماس تلفنی زهرا با برادرش ساعت ۲۰:۳۰ بوده است و این پرنیت خیلی به نفع ماست».

پدر دکتر زهرا بنی‌یعقوب سابقه فعالیت در سپاه را دارد و در رژیم سابق زندانی سیاسی بوده و از آزادگان است. باخیر شدیم مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضائیه با طرح مطالبی در مورد حقوق شهروندی، رسیدگی به پرونده مرگ پزشک جوان را خواستار شده بودند. در این نامه با اشاره به ابهام‌های موجود در پرونده سؤال‌های زیادی مطرح شده است که نمایندگان خواستار پیگیری آنها شدند. شنیده‌ها حاکی از آن است که تا زمان دادگاه و مشخص شدن ابهام‌های پرونده، تحقیقات همچنان ادامه دارد.

باید صبر کنیم. امیدواریم اگر دوباره خواستیم گزارشی از این پرونده و یا موارد مشابه تهیه کنیم وقتی به سراغ مسئولین می‌رویم یا بی‌پاسخی رو به رو نشویم. شاید بهتر باشد مسئولین امر برای جلوگیری از بروز مجدد چنین حادثه‌های تلخی در کشورمان، به‌جای انکار و سکوت با نظارت بیشتر و منصفانه‌تر عمل کنند.

آقا، خانم، کارتان حساس است!



قانون

مرئسی جلالی فخر- کار شما آنقدر حساس است که به مقررات ویژه‌ای نیاز دارد. قوانینی که یک دندان پزشک باید آنها را رعایت کند. در حقیقت هر فردی که بر اساس مصوبات قانونی مجاز به معاینه و درمان بیماری‌های دندان، لثه و فک و دهان است، در کنار رعایت تمامی موارد مربوط به مقررات عمومی مطب‌ها باید موارد دیگری را هم مورد توجه قرار دهد. اتاق کار شما باید نور و تهویه مناسب و برای هر یونیت دست کم ۱۲ متر فضا داشته باشد. محل قرار گیری یونیت‌ها باید به شکلی باشد که پس از نصب کابینت‌ها و سایر تجهیزات، در اطراف یونیت یک متر یا بیشتر فضای باز وجود داشته باشد. در اتاق کار یک دندان پزشک نصب دستشویی الزامی است، بهتر است از شیر دستشویی آرنجی یا پدالی یا خودکار استفاده شود. اگر در مطباتن قالب‌ریزی هم انجام می‌دهید باید برای این کار یک اتاق مجزا در نظر بگیرید. تمام تجهیزات ضروری دندان پزشک باید در فعالیت‌های بهداشتی مورد توجه مردم و نظام سلامت و بهداشتی کشور، مشارکت داشته باشند.



درنگ

بی خیال بی قراری

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار این سرفصل نامه‌ای بود که در تاریخ ۱۳۸۶/۹/۱۲، از طرف روابط عمومی مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تیمورزاده به سازمان نظام پزشکی ارسال شد. قضیه از اینجا شروع شد که در شماره ۲۹ نشریه سراسری سازمان نظام پزشکی، مطلبی با عنوان «عاقبت ۳۱ سال خدمت صادقانه» بر اساس نامه‌ای از یک پزشک، به چاپ رسید. پزشکی که حالا در نتیجه بیماری‌اش گرفتار فرود روزگار شده و از گذراندن زندگی نیز ناتوان مانده بود. انتشارات تیمورزاده با نوشتن نامه‌ای، از سرپرست اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان نظام پزشکی خواست فضایی در اختیار این مؤسسه قرار دهد تا ضمن ارائه تخفیف ۲۵ درصد، ۷٪ درآمد حاصل از فروش کتاب‌ها به آن پزشک محترم اختصاص یابد. نتیجه این درخواست، نامه‌ای بود که با شماره ۱۱/۱۳۸۷۲ در تاریخ ۸۶/۹/۲۴ از طرف مدیر روابط عمومی سازمان به انتشارات تیمورزاده ارسال شد. قسمتی از این نامه اشاره شده بود: «با توجه به اینکه فضای نمایشگاهی جنب این همایش طی قراردادی به یک گروه تبلیغاتی واگذار شده است، متأسفانه امکان جلب توافق گروه مذکور برای واگذاری غرفه مورد نظر حاصل نشد». پس از این پاسخ، از آنجا که مؤسسه فرهنگی تیمورزاده در کمک به آن همکار محترم راسخ بود، در نامه‌ای دیگر که در تاریخ ۸۶/۹/۲۵ به آن سازمان محترم ارسال شد، اعلام کرد که این انتشارات به هیچ گونه فضای غرفه‌بندی شده و تجهیزات جانبی نیاز ندارد و می‌تواند در هر گوشه بدون استفاده‌ای از سالن همایش‌های رازی این غرفه را برپا کند. در جواب آخرین نامه هیچ نامه‌ای دریافت نشد اما دو روز بعد از ارسال نامه، مدیر روابط عمومی سازمان نظام پزشکی ضمن تماس با مدیر روابط عمومی انتشارات با علترخواهی از اینکه امکان هیچ گونه کمکی در این زمینه وجود ندارد، دلیل این امر را بد قولی دانشگاه ایران در اختصاص فضا به این همایش و کمبود شدید جا حتی برای خود سازمان دانست. مدیر مربوطه در این تماس تلفنی اعلام کرد که سازمان برای آن پزشک محترم حسابی به شماره ؟ نزد بانک؟ باز کرده است که کمک‌های رسیده به آن حساب واریز می‌شود. (این علامت‌های سؤال به این دلیل گذاشته شده که با وجود تماس‌های مکرر با دکتر صابونچی ایشان تا لحظه تنظیم این خبر هنوز شماره حساب مورد نظر را به ما اعلام نکرده‌اند). در انتهای این نامه‌ها کلماتی که شوندها همچنان چند پرسش در ذهن ما باقی ماند: آیا رسالت سازمان نظام پزشکی از برگزاری چنین همایش‌هایی تنها جذب منابع مالی است؟ آیا واقعاً همکاری‌هایی که در این همایش شرکت کرده‌اند معتقدند که هیچ جایی برای انجام این کار خیر وجود نداشته است؟! امیدواریم اگر آن پزشک محترم خواننده مطلب ماست این نشریه را در وضعیت خود بی‌خبر نگذاشته و ما را از روند اقدام‌هایی که تاکنون از سوی سازمان نظام پزشکی برای ایشان انجام شده آگاه کند. در پایان، با وجود این ابهامات، با انتشارات تیمورزاده قصد دارد تا در تاریخ ۲۱ ماه به برپایی فروش فوق‌العاده‌ای در کتاب‌فروشی این انتشارات، واقع در میدان هفت‌تیر، ابتدای خیابان قائم‌مقام فراتی، ۷٪ درآمد حاصل را به همکار دردمندان اختصاص دهد.



فرزندان طبیب

دکتر پونه کیمیالم

فرزندان و بازی‌های کامپیوتری (بخش اول) علاقه بیش از حد فرزندان به تلویزیون و رایانه و استفاده مهارت‌گسخته آنها از این وسایل به عنوان تفریح روزانه یکی از دغدغه‌های امروز پدران و مادران است. هنوز برای بسیاری از خانواده‌ها مشخص نشده که انجام بازی‌های رایانه‌ای برای فرزندان خوب است یا خیر؟ اگر خوب است چرا خوب است و اگر بد است چرا بد است؟ و به طور کلی نحوه استفاده از رایانه در امور روزانه فرزندان چگونه باید باشد؟ برای پاسخ به این سؤال‌ها لازم است که در دو بخش جداگانه به این بحث بپردازیم. در ابتدا لازم است دست‌بندی مفیدی را از بازی‌های رایانه‌ای به شما معرفی کنیم. بازی‌هایی که به تمرکز فکر نیاز دارند. (مثل خشتی کسردن مین)۔ بازی‌هایی که به مهارت و هماهنگی دست و چشم نیاز دارند. (مثل اتومبیل رانی)۔ بازی‌های معمایی (مثل پیدا کردن سرخ‌های مختلف)۔ بازی‌های آموزشی (مثل آموزش زبان یا الفبا همراه با سرگرمی و داستان)۔ بازی‌های خشن و آسیب‌زننده به وجدان و هوش عاطفی (انواع کشتی‌های کج و بازی‌های جنگی و اول شخص)۔

تیمورزاده شبکه تأمین منابع علمی علوم پزشکی کشور
www.teimourzadeh.com
011-30209206
88 95 11 12

قابل توجه متخصصان آسیب شناسی و علوم آزمایشگاهی

ارسال پستی ۱۱٪ تخفیف
خرید حضوری ۱۶٪ تخفیف

نحوه خرید پستی
۱- حساب جاری همراه شماره ۱۸۴۴۴۰ بانک رفاه شعبه نشر به نام انتشارات تیمورزاده
۲- حساب جاری چاب شماره ۲۰۱۲۲۴۴۶۱ بانک ملت به نام انتشارات تیمورزاده
۳- حساب سپهر شماره ۱۰۱۳۹۱۷۰۰۴ بانک صادرات به نام انتشارات تیمورزاده
۴- حساب جاری ۰۸۰۱۱۰۱-۲۵-۸۰۴ بانک سامان به نام انتشارات تیمورزاده

زیر چاپ
بها: ۴۴۵۰ تومان
وزیری - ۱۷۶ صفحه
بهار ۸۶

هلبکتوری
بها: ۱۹۵۰ تومان
وزیری - ۵۲ صفحه
پاییز ۸۶

میکروبیولوژی
بها: ۹۸۰۰ تومان
وزیری - ۴۴۰ صفحه
پاییز ۸۶

بها: ۲۴۵۰ تومان
وزیری - ۸۸ صفحه
پاییز ۸۶